



وقتی غرب از اوکراین حماسه می سازد و فلسطین را فراموش می کند

برخوردی دوگانه با مقاومت های مردمی و ملی

قریب به ۷۰ روز است که از آغاز بحران اوکراین می گذرد و غرب در همسویی با یکی یف هرگونه کمک در دسترس را به آنها ارزانی داشته اما در نقطه مقابل سال ها دهه هاست که به مقاومت جانانه فلسطینی ها در قبال تهاجم بی رحمانه صهیونیست ها به نوار غزه و کرانه غربی و جنایات عظیم صورت گرفته در آنجا بی اعتنایی می کند.

گزیده سخنان نمایندگان تشکل های مختلف دانشجویی در دیدار با رهبر معظم انقلاب

ضرورت تحول در الگوهای حکمرانی با مطالبه اصلی دانشجویان

جمعی از دانشجویان و نمایندگان تشکل های مختلف دانشجویی و علمی سراسر کشور در روز سه شنبه ۱۶ اردیبهشت ماه با حضور در حسینیه امام خمینی (ره) با حضرت آیت الله خامنه ای دیدار کردند. امیرحسین پناهی (دبیر تشکیلات اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل)، محمد اسکندری (دبیر جنبش عدالتخواه دانشجویی)، ...



در آستانه روز قدس و طرح احتمال حملات سایبری صورت گرفت

آماده باش صهیونیست ها از ترس مقاومت

صفحه ۴ را بخوانید

چرا روند عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی هیچ کمکی به فلسطین نمی کند؟

۷۰ سال پایداری آرمان قدس

شیوا حسینی پژوهشگر

بعدها به آن نیز عمل نشد. این قرارداد از سوی تمامی کشورهای اسلامی و عربی محکوم شد و بسیاری از این کشورها، روابط سیاسی خود را با رژیم مصر قطع کردند. پیمان کمپ دیوید پس از دو دهه روز مذاکرات مخفی و با میانجیگری ایالات متحده آمریکا در کمپ دیوید که یکی از استراحتگاه های مقام ریاست جمهوری تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۸ با حضور جیمی کارتر، رئیس جمهور وقت ایالات متحده آمریکا در کاخ سفید به امضای نهایی رسید. پیمان کمپ دیوید اولین پیمان صلح میان طرفین جنگ اسرائیل و اسرائیل بود که به صلح میان مصر و اسرائیل انجامید. اردن دومین کشور عربی بود که با رژیم صهیونیستی توافق صلح امضا کرد. نام این توافقنامه نام مکانی است که در آنجا امضا شد. وادی عربیه در مرزهای اردن و اسرائیل است. این توافق ۲۶ اکتبر ۱۹۹۴ با حضور اسحاق رابین، نخست وزیر وقت اسرائیل و عبدالسلام المجالی، نخست وزیر وقت اردن امضا شد. همچنین این توافق در حضور حسین بن طلال، پادشاه وقت اردن درحالی که با عاییز وایزمن، رئیس رژیم صهیونیستی دست می داد و با نظارت بیل کلینتون، رئیس جمهور وقت آمریکا امضا شد.

پس از آن کشورهای عربی و مسلمان مجموعه ۴ جنگ را قبل از فرایند عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی صورت دادند که نتیجه همه این جنگ ها شکست اعراب را در پی داشت. پایان یافتن جنگ چهارم اعراب و اسرائیل در اکتبر ۱۹۷۳، خاورمیانه و جهان اسلام شاهد یک تحول عجیب و یک تصمیم جدید در میان یکی از کشورهای سردمدار مبارزه با صهیونیسم بود.

انور سادات، رئیس جمهور وقت مصر پس از سرخوردگی از شکست در برابر رژیم صهیونیستی و اتخاذ سیاست نزدیکی به غرب، در ژوئیه ۱۹۷۷ اعلام کرد در ازای خروج نیروهای رژیم صهیونیستی از سرزمین اشغالی صحرای سینا، حاضر به امضای قرارداد صلح با رژیم اشغالگر قدس خواهد بود.

در هفدهم سپتامبر ۱۹۷۸، ضمن ملاقات رؤسای جمهور آمریکا و مصر و نخست وزیر رژیم صهیونیستی در کمپ دیوید آمریکا، انور سادات که در مسیر ذلت و خفت قرار گرفته بود، نه تنها به اعتقادات دینی و اسلامی، بلکه به آرمان های عربی و ملی نیز خیانت کرد و با امضای موافقتنامه ای، زمینه انعقاد پیمان کمپ دیوید در ۲۶ مارس سال ۱۹۷۹ را فراهم آورد. به موجب این قرارداد، پس از تخلیه صحرای سینا از نیروهای صهیونیستی، صلح نهایی میان دو رژیم منعقد شد. هم چنین در این قرارداد به تشکیل حکومت خود مختار فلسطینی نیز اشاره شد که

است، نه برای فلسطینی ها مفید است، [بلکه] هم برای خودشان مضر است، هم برای فلسطینی ها مضر است. البته به درد رژیم صهیونیستی هم نمی خورد؛ یعنی آنها هم از این سودی نخواهند برد، فایده ای نخواهند برد.»

۴۰ سال بعد از پیمان نکبت بار کمپ دیوید، رژیم صهیونیستی نه تنها به هیچ تعهد خود عمل نکرده، بلکه به دنبال اشغال تمام مناطق در کرانه باختری و اشغال تمامی قدس شریف است. همچنین موج ویرانی و غصب خانه های فلسطینی ها افزایش پیدا کرده و شهرک های جدید روی خانه های منهدم شده فلسطینیان ساخته می شود. از سویی دیگر حکام کشورهای عربی با ملت های خود بیگانه شده و ملت های مسلمان در طول ۷۰ سال گذشته هنوز بر آرمان فلسطین باقی مانده است.

جنایات های رژیم صهیونیستی در طول ۴۰ سال گذشته افزایش پیدا کرده است. کشتار بی امان فلسطینیان در کرانه باختری و چهار دور جنگ علیه مردم غزه، حاصل دستاورد روند عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی است. اشتباه راهبردی این کشورها در روند عادی سازی با رژیم صهیونیستی حتی نمی تواند برای این رژیم زمان بخرد. مردم فلسطین بخوبی چهره های واقعی برخی حکام عرب را شناخته و بین خود و آنها مرزبندی کرده اند. تا جایی که دیگر برای فلسطینی ها کاملاً روشن شده تنها راه مقابله با رژیم صهیونیستی مقابله مسلحانه است و تنها با این شیوه و تکیه بر خود و محور مقاومت می توانند سرزمین های خود را از اشغالگری صهیونیست ها نجات دهند.

سخن پایانی

روند عادی سازی روابط که با معاهده کمپ دیوید آغاز شد و با عبور از پیمان های وادی عربیه و اسلو به معاهده آبراهام رسید، در طول مدت گذشته این را ثابت کرده است که عادی سازی روابط نه دستاوردی برای کشورهای عادی ساز بوده و نه کمکی به مردم فلسطین داشته و نه حتی فرصتی برای رژیم صهیونیستی است، بلکه ملت فلسطین مسیر خود را انتخاب کرده و در این مسیر در حال حرکت است. مسیر ملت فلسطین مقاومت و مخالفت با هرگونه سازشکاری و عادی سازی قبل را امروز تکرار کند! نه برای خودشان مفید



اینکه ما خیال کنیم راه کمک به فلسطینی ها ارتباط گرفتن و ایجاد رابطه با رژیم صهیونیستی است، جزو آن اشتباهات بسیار بزرگ است. ۴۰ سال قبل از این، مصری ها این خطا را کردند؛ مصر و اردن با رژیم صهیونیستی ارتباط برقرار کردند؛ آیا جنایات رژیم صهیونیستی در این ۴۰ سال کم شد؟ نه، ۱۰ برابر شد. این کارهایی که امروز شهرک نشین ها دارند می کنند، این حملاتی که امروز به مسجد الاقصی انجام می گیرد، آن روزها نبود؛ امروز بیشتر دارند ظلم می کنند

اسرائیلی، مسائل امنیتی و تعیین مرزها در توافق نهایی و دائمی تصمیم گیری شود؛ امری که هیچ گاه عملی نشد.

با گذر زمان و بعد از مقاومت مردم فلسطین و همچنین تحمل شکست های بی شمار در برابر رژیم صهیونیستی از حماس و جهاد اسلامی در فلسطین و شکست و خارج شدن از لبنان در سال ۱۹۸۲ و شکست در جنگ ۳۳ روزه، در سال ۲۰۱۶ دوره ترامپ و در قالب معاهده قرن (آبراهام) برخی کشورهای عربی به روند عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی بازگشتند. امارات، بحرین، مراکش و سودان کشورهایی بودند که روابط خود را با رژیم صهیونیستی برقرار ساختند. این کشورها به گمان خود، اگر روابط خود را با رژیم صهیونیستی عادی سازی کنند، دو هدف اصلی محقق خواهد شد؛ ۱- فرایند دو کشور در سرزمین های اشغالی محقق خواهد شد و مردم فلسطین صاحب دولتی خواهند شد و ۲- سرزمین های اشغالی خواهند شد و به منازعه ۷۰ ساله پایان خواهند داد و چنانچه صهیونیست ها به پایان خواهد رسید. ۲- بقای

چگونه حمایت از فلسطین قدرت ایران را افزایش داد؟



دکتر امیرحسین کارشناس مسائل سیاسی

وقتی شما به عنوان یک مخاطب این جملات را می خوانید، تصور می کنید چه کسی آنها را بیان کرده است؟ «آنچه امروز ایران را به یک قدرت مطرح و تأثیرگذار در خاورمیانه تبدیل کرده این است که برای حزب الله و حماس هزینه کردیم. این هزینه ها امروز اهرم های قدرت ما در منطقه است... یک رسالت جهانی را هم در قانون اساسی و هم در اهداف انقلاب اسلامی تعریف کرده ایم. این چنین رسالتی در ذات انقلاب ما وجود دارد که به نظر من نه تنها الزاماً خطرناک نیست بلکه منبع قدرت ماست، کمالاتی که یکی از مهم ترین منابع قدرت آمریکا قدرت گفتنمان آن بوده است... تبدیل به بازیگری قدرتمند در منطقه شدیم زیرا پس از انقلاب برای خودمان در منطقه سرمایه ای ایجاد کردیم. این سرمایه در فلسطین، لبنان، عراق و در افغانستان بوده است. در همان زمان برخی می گفتند که این ها عامل فشار بر ایران است، یعنی این را تضاد بین اصول و منافع و یا تضاد بین سیاست انقلابی و سیاست خارجی ملی می دانستند. در صورتی که همان سیاست خارجی انقلابی توانست امکاناتی را برای ایران ایجاد کند که بعد از سال ها ایران را به یک قدرت تأثیرگذار در منطقه تبدیل کرده.»

احتمالاً شما نیز تصور می کنید گوینده چنین جملاتی یکی از چهره های شاخص انقلابی است اما این جملاتی است که در کتاب خاطرات محمدجواد ظریف (آقای سفیر) منتشر شده است.

در واقع برخلاف کلیشه غلط و نادرستی که در بخشی از افکار عمومی شکل گرفته، سیاست جمهوری اسلامی ایران در رابطه با حمایت از فلسطین و آزادی قدس شریف یکی از مهم ترین مؤلفه های «تولید قدرت» برای کشور بوده است. به عبارت دیگر اگرچه جمهوری اسلامی ایران در ۴۴ سال گذشته برای آرمان آزادی قدس و مبارزه با رژیم صهیونیستی هزینه های مادی و معنوی مختلفی انجام داده اما به واسطه همین رویکرد انقلابی، در عرصه بین الملل آورده های بسیار زیادی نیز کسب کرده که به طور خلاصه می توان گفت این آرمانخواهی در نهایت به تولید قدرت تبدیل شده است.

برای درک بهتر این مسأله تصور کنید جمهوری اسلامی ایران در بدو پیروزی انقلاب، مانند بسیاری دیگر از کشورهای منطقه به مسأله فلسطین و رژیم اشغالگر قدس توجهی نمی کرد یا حتی در جبهه سازش با صهیونیست ها فرار می گرفت. بعد از آن چه اتفاقی می افتاد؟ پاسخ ساده است زیرا آنچه تمام نمای چنین رویکردی امروز در برابر ما قرار دارد،

مصر دقیقاً در همان سال ۱۳۵۷ که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، مسیری متفاوت با ایران را انتخاب کرد و با امضای پیمان کمپ دیوید، پیمان صلح با اسرائیل را پذیرفت. در تمام سال های بعد از این پیمان نیز یکی از متحدان مهم آمریکا و رژیم صهیونیستی به حساب می آمد اما نه تنها امروز هیچ جایگاه ویژه و اثرگذاری در جهان ندارد بلکه یکی از کشورهای فقیر آفریقایی است که امروز «گورخواب های قاهره» به نمادی از مصر در جهان تبدیل شده اند. این کشور علیرغم ظرفیت کم نظیر توریسم به خاطر اماکن تاریخی و تمدنی خاصی که دارد و علیرغم اینکه هیچ گاه تحریم هایی که علیه ایران اعمال شده را نیز تجربه نکرده، تقریباً در تمام شاخص های اقتصادی از جمهوری اسلامی ایران عقب تر است و در معادلات منطقه ای و جهانی نیز وزن خاصی ندارد.

علاوه بر مصر می توان به ده ها کشور دیگر نیز در منطقه غرب آسیا و آفریقا اشاره کرد که علیرغم انتخاب سیاست های بی طرفانه یا حتی سازشکارانه در ماجرای فلسطین، امروز در حسرت قدرت نرم و جایگاه مؤثر جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه هستند. برای روشن تر شدن این ادعا کافی است به وضعیت همسایگان ایران نگاهی بیندازیم؛ عراق، پاکستان، افغانستان، ترکمنستان، قزاقستان، ارمنستان، جمهوری آذربایجان، قطر، امارات، بحرین و... کشورهایی هستند که در دهه های گذشته هیچ کدام پیشگام مبارزه با رژیم اشغالگر قدس نبوده اند و به همین میزان نیز از ظرفیت «الگو شدن» در میان جهان اسلام و ملت مستضعف عقب مانده اند. علاوه بر این هیچ کدام از این کشورها و ده ها کشور مشابه دیگر اساساً قدرت تعیین کنندگی امروز جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه را ندارند و به همین خاطر عملاً فاقد بسیاری از مؤلفه های حکمرانی هستند. برخی از آنها از نبود امنیت رنج می برند و برخی دیگر نیز همچنان در حسرت استقلال سیاسی و تصمیم گیری برای خودش هستند و همچنان در قرن ۲۱ تحت استعمار قدرت های بزرگ به حساب می آیند. برخی دیگر نیز که به ظاهر عمدتاً با اتکا به منابع نفتی عظیم توانسته اند توسعه ای نسبتاً مطلوب را تجربه کنند، فاقد جایگاه و وزن سیاسی لازم و نقش تعیین کننده در معادلات منطقه ای و حتی جهانی هستند. اما چرا جمهوری اسلامی ایران علیرغم همه تحریم ها و فشارهای بی سابقه و مشکلات اقتصادی که همچنان درگیر آن است، در ۴ دهه گذشته توانسته فراتر از یک کشور معمولی در منطقه، در بسیاری از معادلات کلان نقش آفرینی کند؟

برای پاسخ به این سؤال باید از ریشه قدرت جمهوری اسلامی ایران یعنی «ایدئولوژی» آن سخن گفت. جمهوری اسلامی ایران با احیای «اسلام سیاسی» توانست در جهان محصور در دوقطبی لیبرالیسم و مارکسیسم که نقطه اشتراک هر دو آنها «معتویت زدایی» و تلاش برای حذف دین بود، گفتنمان سومی را بر جهان عرضه کند که امروز با گذشت ۴۴ سال از پیروزی انقلاب اسلامی همچنان پیش می رود. فارغ از انبوه ملت های مسلمان که همچنان جمهوری اسلامی ایران را به عنوان یک الگو در برابر نظام سلطه می شناسند، در میان بسیاری از ملت های غیرمسلمان نیز جمهوری اسلامی ایران به عنوان الگویی شناخته شده که منجر به تولید قدرت نرم برای ایران گشته است. همین مسأله در کنار سایر مؤلفه های قدرت جمهوری اسلامی مطرح شده تا علیرغم همه مشکلات ریز و درشت، نه تنها نگاه ابرقدرت ها به ایران نیز متفاوت باشد و اگر بسیاری از کشورهای دنیا از طریق حمله نظامی یا تحریم های اقتصادی در برابر نظام سلطه از پا در آمدند، جمهوری اسلامی ایران نه تنها متوقف نشده بلکه روز به روز با تکثیر گروه های مقاومت از حماس اهل سنت در فلسطین تا حزب الله شیعه در لبنان توانسته هنرمونی خود را در سطح منطقه تثبیت کند و دقیقاً به همین خاطر باید که هنری کیسینجر استراتژیست و وزیر خارجه اسبق آمریکا در مرداد ۹۶ صراحتاً هشدار داد که «ایران نباید به یک امپراطوری در خاورمیانه تبدیل شود.»

نتیجه آنکه اساساً هیچ ابرقدرتی در طول تاریخ، بدون «ایدئولوژی» به قدرت برتر تبدیل شده است. آمریکا و بسیاری دیگر از قدرت های غربی نیز مبتنی بر ارزش ها و آرمان های خود رفتار می کنند، کما اینکه مطالعه اسناد بالادستی ایالات متحده نیز نشان می دهد که درهم تئودیک اندیشه، ارزش و آرمان های این کشور با سیاست های اعمالی آن چقدر واضح است. از جمله سند امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۱۵ که در آن تصریح شده است منبع قدرت آمریکا ارزش های آمریکایی است؛ «امریکا برای رهبری در جهان باید بر اساس ارزش های خود زندگی کند در حالی که به رویج ارزش ها جهانی در خارج از کشور نیز می پردازد... ارزش های ما منبع قدرت و امنیت ما هستند.»